

Study of Instructors' Spiritual Factors in Medical Science Education by Emphasizing on Revealed Teachings

Zakavi A A^{1*}, Marzband R¹

1-Ali asghar Zakavi, Dept of Islamic Thought, Faculty of Medicine, Sari, Iran

Corresponding Author:

Ali asghar Zakavi, Dept of Islamic Thought, Faculty of Medicine, Mojtamae Payambare Aazam, Kilometr 18 Jaddeh Darya, Sari, Iran

E-mail:
a.zakavi2009@gmail.com

Abstract

The education has been attention by scientists as the most important method to transfer the knowledge and skills to students. Quantitative and qualitative development in science, spatially in last centuries, has increased its importance. The spirituality can increase the affectivity, convenience in the process of education, psychological safety in students. The purpose of this article is to Study on the instructor's spiritual factors in medical science education by emphasizing on revealed teachings.

This is a review article by the analytic method. In the way of the purpose, the necessary information has collected by study on Holy Qurân, the interpretational references and Hadith books. We searched in some data base as Sid, Noormags and magiran, on the base of some keywords like: medical science education, spirituality and Qurân. Then this information has documented and analyzed.

It became clear that the Monotheistic view to world and human are the most important spiritual base, by study on Qurân and Hadith. Some instructor's spiritual factors in medical science education are: possessing the good heart, spiritual view to science, attention to divine laws, the responsibility, absolute sincerity in education, humility in front of God and people, continued scientific try, to be update, considering to the educational laws and professional ethics.

The spiritual instructor has an especially attitude to science, education, students and medical science. He has the collection of Quran- spiritual factors that mentioned above, and arranged all of his behaviors according to Monotheistic view, Divine law and professional ethics. He tries to play his roles in the realm of education and training, better and more effective.

Keywords: medical science, education, spirituality, Qurân, instructor, factors.

Received: 9 Apr 2013

Revised: 11 May 2013

Accepted: 7 Jun 2013

بررسی شاخص‌های مدرس معنویت گرا در آموزش علوم پزشکی با تاکید بر آموزه‌های وحیانی

علی اصغر زکوی*^۱، رحمت اله مرزبند^۱

چکیده

آموزش، همواره به عنوان مهم‌ترین روش انتقال دانش و مهارت به فراگیران مورد توجه دانشمندان بوده است. گسترش کمی و کیفی دانش به خصوص در قرون اخیر، اهمیت مساله آموزش را دوچندان کرده است. معنویت گرایی می‌تواند باعث افزایش اثربخشی، سهولت در فرآیند یاددهی- یادگیری، و اهمیت روانی در دانشجویان شود. هدف این مطالعه بررسی مهمترین شاخص‌های معنویت گرایی مدرس در فرآیند آموزش پزشکی، با رویکرد وحیانی است.

این پژوهش از نوع مطالعه مروری بوده و از روش تحلیلی و مفهومی استفاده شده است. بر اساس هدف تحقیق، اطلاعات لازم از منابع تفسیری جمع آوری و در ادامه بر اساس کلید واژه‌هایی چون: آموزش پزشکی، معنویت، قرآن جست و جو در بانک‌های اطلاعاتی از قبیل NOORMAGS, SID, MAGIRAN صورت گرفت. سپس اطلاعات به دست آمده دسته بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با بررسی آموزه‌های قرآن و حدیث معلوم شد که نگاه توحیدی به جهان و انسان از مهم‌ترین مبانی معنویت گرایی هستند. برخی از شاخص‌های معنوی در یک مدرس علوم پزشکی، عبارتند از: برخورداری از قلب سلیم، نگاه معنوی به علم، تکلیف گرایی، احساس مسئولیت، اخلاص در آموزش، تواضع در برابر خدا و خلق، پاکیزگی در گفتار، امانت داری، جهاد مستمر علمی، به روز بودن، احترام به مقررات آموزشی و اخلاق حرفه‌ای.

مدرس معنویت گرا، نگاه ویژه‌ای به علم، آموزش، دانشجو، حرفه استادی و علوم پزشکی دارد. وی آراسته به مجموع‌های از مهم‌ترین شاخص‌های معنوی- قرآنی پیش گفته است، و تمام رفتارهای خود را در فضای آموزشی بر محور توحید، شریعت و اخلاق حرفه‌ای رقم می‌زند. و با این سرمایه معنوی- قرآنی می‌کوشد نقش خود را در عرصه آموزش و تربیت دانشجویان، بهتر و موثرتر به انجام برساند.

واژه‌های کلیدی: آموزش، علوم پزشکی، معنویت، قرآن، مدرس، شاخص‌ها

۱- گروه معارف اسلام ی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ی مازندران، ساری، ایران

مؤلف مسئول علی اصغر زکوی

گروه معارف اسلام ی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ی مازندران، ساری.

E-mail:
a.zakavi2009@gmail.com

دریافت: ۳۱ فروردین ۱۳۹۲
اصلاحات: ۱ خرداد ۱۳۹۲
پذیرش: ۲۶ خرداد ۱۳۹۲

مقدمه

امروزه گرایش به معنویت در عرصه های آموزشی به طور بسیار جدی مورد توجه قرار گرفته و باعث افزایش اثربخشی و سهولت در فرآیند یاددهی- یادگیری و نیز امنیت روانی در یادگیرندگان می‌شود(۱).

معنویت گرایی: در آموزش پزشکی، بر نقش عوامل معنوی در فرآیند یاددهی- یادگیری در محیط آموزشی تاکید دارد. توجه به معنویت در آموزش پزشکی نیازمند برنامه ریزی دقیق است. برنامه آموزشی، منتقل کننده

ترجمه‌های لاتین عهد جدید spiritualis یا شخص معنوی، کسی است که زندگی اش تحت امر یا نفوذ روح القدس یا خداست (۵).

برخی (۶) معتقدند هنگامی با موضوعات معنوی روبرو می‌شویم که دچار حیرت می‌شویم در باره این که جهان از کجا آمده است، چرا ما این جا هستیم، یا بعد از مرگ ما چه اتفاقی می‌افتد. هم چنین زمانی معنوی می‌شویم که با ارزش‌هایی مانند زیبایی، عشق، یا خلاقیت مواجه می‌شویم که به نظر می‌رسد معنا یا نیرویی فراتر از جهان محسوس را آشکار می‌کنند. یک ایده یا عمل "معنوی" است زمانی که تمایل شخصی ما را برای اثبات یک ارتباط احساسی (یا عاطفی ما را) با معنایی عمیق تر یا نیروهایی که بر جهان حاکم هستند، آشکار سازد. از نظر برخی از صاحب‌نظران (۷) با کاهش عضویت ادیان نظام مند و رشد سکولاریزم در دنیای غرب، نگاه وسیع‌تری از معنویت‌گرایی ظهور کرده است اصطلاح معنویت‌گرایی در حال حاضر به طور مکرر در متونی بکار رفته است که پیشتر اصطلاح دین به کار می‌رفت. در ضمن، جریان جایگزین سازی، که با آغاز انقلاب صنعتی در اروپا رخ داد اکنون به حوزه معنویت رسیده و در مواردی معنویت بریده از وحی، جانشین معنویت توحیدی شده است (۸).

کلمه معنویت مصدر جعلی از واژه "معنوی" ساخته شده است و از واژه "معنی" مشتق گردیده است. بنابر این معنوی، یعنی منسوب به "معنی" و در مقابل لفظی قرار دارد (۹). "معنی" امری است که در ورای الفاظ و عبارات قرار دارد؛ از این رو "معنا" به موقعیتی اشاره دارد که دست کم شامل دو لایه باشد: یکی ظاهر که حکایت گر است و دیگری باطن که محکی است (۱۰).

معنای زندگی نیز امری متعالی است که در قلمروی بیرون از فرایند عادی زندگی قرار دارد و زندگی، زمینه‌ای برای رسیدن به آن است. معنای زندگی برای هر شخص، مبتنی بر شناخت او از ماهیت هستی و جایگاه انسان و زندگی او در جهان است (۱۱).

معنویت، به معنای معناداری کل زندگی است نه فقط بخشی از آن. اولین شرط معنویت و زندگی معنادار آن است که فرد همه اعمال خود در زندگی را در راستای هدفی واحد تنظیم کند (۱۲)، به گونه‌ای که فقط یک هدف غایی برای او مطرح باشد و مطلوبیت سایر اهداف،

مفاهیم معنویت از طریق محتوا و برنامه آموزشی است و فراهم کننده زمینه نیل به سطوح بالاتر آگاهی و معنی دار کردن زندگی می‌باشد. برنامه آموزش معنوی تنها وسیله‌ای برای درک محتوای آموزشی نیست بلکه حرکتی فراتر از استدلال و شیوه‌های تحلیلی و اندیشه ورزی است که معمولاً در خلال آموزش صورت می‌گیرد (۲).

از آن جا که مدرس دانشگاه، نقشی کلیدی در سه حیطة: شناختی، عملی و عاطفی دارد و میزان آگاهی، تخصص و رفتار او در کیفیت این فرآیند بسیار موثر است نقش و رسالت او منحصر به فرد است. در آموزش مبتنی بر معنویت‌گرایی، مدرس تنها یک انتقال دهنده دانش‌ها و مهارت‌ها نیست بلکه الگویی با نفوذ و تاثیر گزار است که با بینش، اخلاق و عمل خود می‌تواند بر دانشجویان تاثیر بگذارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: هر که از روی ناآگاهی و عدم بصیرت عملی را انجام دهد، به مانند کسی است که در غیر راه مورد نظر، در حال حرکت است و هر چه سریع‌تر حرکت کند بیش تر از مقصدش دور می‌شود (۳-۴). هدف این پژوهش تعیین اصلی ترین شاخص‌های معنویت‌گرایی یک مدرس، بر مبنای آموزه های وحیانی است تا زمینه برای آراستگی هر چه بیشتر مدرسان آموزش پزشکی به این شاخص‌ها فراهم آمده، تاثیر خود را در کیفیت آموزش به منصفه ظهور برساند.

برای دستیابی به هدف پژوهش، بعد از تعریف معنویت و بیان مبانی آن، شاخص های معنویت‌گرایی برای مدرس علوم پزشکی در دو محور بررسی شده است: حیطة شناختی (عقائد، ارزش‌ها) و حیطة رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی).

این پژوهش از نوع مطالعه مروری بوده و در آن از روش تحلیلی و مفهومی استفاده شده است. بر اساس هدف تحقیق، اطلاعات لازم از منابع تفسیری و حدیثی جمع آوری و در ادامه بر اساس کلید واژه های چون: آموزش پزشکی، معنویت، قرآن، جست و جوی لازم در بانک‌های اطلاعاتی از قبیل Noormags, Sid, Magiran انجام پذیرفت و سپس اطلاعات به دست آمده دسته بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

تعریف معنویت: برای معنویت واژه spirituality به کار رفته است و از کلمه لاتین spiritus به معنی نفس، از ریشه spirare به معنی دمیدن یا نفس کشیدن می‌آید. در



طبیعت رها ساخته، چشم به جهان ماوراء طبیعت گشوده است و جهان را دو ساحتی می‌بیند.

دوم. دو ساحتی دیدن انسان . در منطق قرآن، انسان، تعریف ارسطویی "حیوان ناطق" را بر رهی تابد زیرا بسیاری از حیوان ناطق‌ها، مانند چهارپایانند (۲۴). انسان دو بعدی است: بدن مادی و روح الهی (۲۵). روح، منشاء حیات ویژه‌ای است که فصل الخطاب حقیقت انسان است. انسان در تعریف قرآنی، عبارتست از حی متاله (زنده الهی). واقعیت حیات انسان، چیزی جز تاله و دل‌باختگی به جمال و جلال الهی نیست. تا آنجا که اگر حیات متالهانه فطری خویش را، زیر خاک های تیره جهل و عصیان مدفون کند دیگر زنده نیست، مرده است (۲۳) اما مرده متحرک (۲۶).

مدرس معنویت گرا، بعد روحی انسان را اصیل دانسته، خود و دانشجویانش را جلو های از جمال حق و جانشرین خدا در روی زمین (۲۷) می‌بیند و همراه با کسب دانش و مهارت در عرصه پزشکی، تربیت روح را به عنوان یک اصل در کانون توجه خود قرار می‌دهد.

سوم. دو ساحتی دیدن حیات . حیات انسان دو معنا دارد: اول. حیات طبیعی، که همه جانداران از آن برخوردارند. دوم. "حیات حقیقی یا معنوی" که در "تاله" و الهی شدن انسان شکل می‌گیرد و حیات متالهانه انسان، به توحید اوست؛ اگر بینش توحیدی، از او سلب شود در فرهنگ جامع دین، در شمار مردگان در می‌آید (۲۸).

خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: "تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفت برسانی" (۲۹). آنان که ایمان به توحید می‌آورند زنده‌ان به حیات حقیقی؛ اما دیگران که در گورستان شرک و کفر و بی‌ایمانی افتاد‌ان، از حیات حقیقی بی‌بهر‌ان (۲۸). علی(ع) عالم نمایان فرو رفته در شبها و بدعت‌ها را مردگان در میان زندگان دانسته است (۳۰). انسان و بلکه سراسر هستی، ماهیت از اویی و به سوی اویی داشته و حیات ابدی را در پیش رو دارد و خالق هستی راه سلامت انسان در مسیر حیات ابدیش را نیز نمایانده است: "خداوند به برکت آن- قرآن-، کسانی را که از خشنودی او پیروی می‌کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند" (۳۱). با توجه به این مبانی سه‌گانه، معنویت یعنی شناخت و ایمان راستین به خدای متعال و تنظیم همه

مطلوبیتی غیری بوده، تنها به عنوان اهدافی متوسط و مقدمه مورد توجه و اراده وی قرار گیرند.

در آموزه‌های قرآن، ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم (۱۳)، او هدف غایی زندگی است، و دست یابی به عالی‌ترین مراتب "قرب الهی" هدف اصلی آفرینش انسان دانسته شده است (۱۴) و رسیدن به این غایت یا معنا فقط از مسیر "عبودیت" امکان پذیر است (۱۵). در قرآن کریم از زبان ابراهیم (ع) آمده است: در حقیقت نماز و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است (۱۶). معنویت در اندیشه قرآنی، جستجوی چنین هدفی در زندگی، از طریق ایمان، عمل صالح و نفی بندگی غیر خداست (۱۷).

۱. مبانی معنویت‌گرایی مبتنی بر وحی

تفاوت میان دو انسان معنویت‌گرا و مادی‌گرا را، باید در مبانی فکری و معرفتی آن‌ها؛ به خصوص نوع نگاه آنان به: جهان، خدا، انسان و حیات جست و جو کرد. مهم‌ترین مولفه‌های معنویت‌گرایی در قرآن عبارتند از:

اول. دو ساحتی دیدن جهان . جهان، نه فرآورده خود به خودی طبیعت و ماده، که مخلوق خداست که "آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آنهاست را آفرید" (۱۸). اوست که جهان را از کتم عدم به روشنای هستی آورده است. نخستین شاخص معنویت‌گرایی، باور به این حقیقت است که جهان دو ساحت دارد: عالم شهود (طبیعت) و عالم غیب (ماوراء طبیعت)؛ ایمان به غیب، نخستین وصف متقین و نخستین شرط هدایت‌یابی از قرآن کریم است (۱۹). قرآن از باطن عالم به "ملکوت" تعبیر می‌کند که آن را به ابراهیم (ع) نمایاند (۲۰). آنان که حواسشان به طبیعت و ماده عادت کرده است توانایی درک عالم غیب را ندارند و به تعبیر قرآن از باطن جهان غافل‌اند (۲۱).

در نگاه معنوی به جهان هستی، طبیعت ریشه در ماوراء طبیعت دارد و فیلسوفان مسلمان با تبیین‌های عقلانی خویش و با الهام از معارف قرآن، جهان را دارای مراتب چهارگانه دانسته‌ان: عالم ماده، عالم مثال، عالم عقل، عالم اله. عالم ماده، به "عالم ملک" و بقیه عوالم به "عالم ملکوت" تعبیر شده است (۲۲-۲۳). مدرس معنویت‌گرا، کسی است که خود را از حصار تنگ ماده و

"کتاب طبیعت"، که فعل خداست، بردارد باز هم علم اسلامی است؛ لذا در صدر و ساقه مراکز علمی (اعم از حوزه و دانشگاه) علم غیردینی وجود ندارد (۳۶). به تعبیر دیگر «علم، مادی و معنوی ندارد... و چشم باز انسان در حال حرکت است (۳۷). تمامی دانش‌ها، ابزار معرفت حق و شناخت اسماء حسنا الهی اند (۳۸). با این تعریف، هر علمی، علم دینی است و می‌تواند باعث رفعت مقام انسان گردد.

"علم طب هم، اگر نظر آیت و علامت به سوی آن‌ها داشته باشیم داخل در آیه محکمه هستند" (۳۹). قرآن کریم از آیات انفسی و آفاقی سخن گفته است (۴۰) و دانش پزشکی و مدرس آن، می‌تواند دانشجو را به عظمت آفرینش و آفریننده آن رهنمون شود.

مدرس معنویت گرا با این نگاه قرآنی به علم، می‌تواند تقدس ذاتی علم، به ویژه دانش پزشکی و علوم مرتبط را به دانشجویان گوشزد نماید تا طبابت را که با شریف‌ترین موجودات سروکار دارد با دنیاگرایی مذموم نیالایند.

مقدس دانستن هنر استادی. مدرس معنویت گرا به خوبی می‌داند که معلمی شغل انبیاست، و او بر کرسی مقدسی تکیه زده، و به نقش الگویی خود در دانشگاه و فضای آموزشی درمانی به خوبی واقف است. او تعلیم را از جمله بارزترین مصادیق انفاق و احسان در حق دانشجویان می‌داند. امام صادق (ع) در تفسیر آیه: و مما رزقناهم ینفقون، فرمود: یعنی آموخته‌های علمی خود را می‌گسترانند (۴۱).

امام رضا (ع) فرمود: جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود زنده‌ای در فضا و ساکنان آسمان و زمین برای معلم و مدرسی که خیر را می‌آموزد استغفار می‌کنند (۴۲) و بی‌تردید آموزش دانش پزشکی که با سلامت انسان به عنوان جانشین خدا در روی زمین سروکار دارد از بالاترین کارهای خیر و نیکوست. مدرس معنویت گرا به جایگاه طب نیز کاملاً آگاهی دارد که پیغمبر فرمود: علم بر دو نوع است علم ابدان و علم ادیان (۴۳-۴۴). بنا بر این می‌کوشد تا ضمن انتقال دانش و مهارت و تخصص، تفکر معنوی اش را در رفتار و آموزش خود، متجلی سازد تا دانشجویان به عنوان فرزندان معنوی او، آن‌ها را سر لوحه منش و روش خود قرار دهند.

رفتارها بر اساس آن، عالم را محضر خدا دیدن، در محضر او از معصیت پروا کردن؛ خیرخواه همه انسان‌ها بودن و به همه خوبان عالم مهرورزیدن.

۲. شاخص‌های معنویت‌گرایی استاد در حوزه

آموزش پزشکی

برخی از محققان (۳۲) برای مدرس و یاد دهنده، نقش‌های متعددی بر شمرده‌اند. اما مدرس معنویت گرا با تکیه بر مبانی پیش‌گفته، نگاه ویژه‌ای به جهان، انسان، آموزش، دانشجو، کلاس، حرفه استادی، اهداف آموزشی، اخلاق، قوانین و مقررات آموزشی و غیره دارد. وی برای ایفای نقش‌های خود، نیازمند مجموعه‌ای از شاخص‌ها در دو حیطة: الف. شناختی (اهداف، عقائد، ارزش‌ها) ب. رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی) است که در ادامه به معرفی مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شده است:

الف. حیطة شناختی (عقائد، ارزش‌ها)

برخورداری از قلب سلیم. حیات معنوی قرآنی با کلید واژه "قلب سلیم" گره خورده است. با توجه به صفات و امور متنوعی که در قرآن به "قلب"، نسبت داده شده است از قبیل: درک کردن، اندیشیدن، ایمان و تقوا می‌توان دریافت که قلب، همان روح انسان یا یکی از ابعاد روح است (۳۳).

معنویت‌گرایی انسان، در گرو برخورداری از "قلب سلیم" است. قلب سلیم از آن کسی است که در حوزه شناخت، واقعیت‌های غیب جهان را بشناسد و به ایمان نائل گردد (۸). به تعبیر امام صادق (ع): قلب سلیم را کسی دارد که پروردگارش را ملاقات می‌کند در حالی که در دلش غیر خدا نیست (۳۴).

نگاه معنوی به علم. قرآن به تفکر در آسمان، زمین، نظم شگفت‌انگیز آن، خلقت انسان، به خصوص مطالعه در نفس و عوالم باطنی دعوت می‌کند و به این ترتیب به آموختن علوم طبیعی، ریاضی، فلسفی، فنون ادبی و بالاخره همه علوم دعوت می‌کند که تعلم آن‌ها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی است؛ البته به این شرط که این علوم، جهان‌بینی حقیقی را که سرلوحه آن خداشناسی است در بر داشته باشند وگرنه با جهل مرادف است (۳۵).

اگر پرده برداشتن از اسرار "کتاب شریعت" که گفتار خداوند است علم اسلامی است هر علمی که پرده از اسرار



آداب تعلیم می‌نویسد: - مدرس و معلم- بر متعلم- و دانشجو- مهربان و مشفق باشد او را نصیحت‌های مشفقانه نماید و با نرمی و گشاده رویی با او سخن گوید (۴۶). عطوفت و مهربانی سبب می‌شود تا دانشجو مسائل و مشکلات تحصیلی و حتی عاطفی خود را با استاد در میان گذاشته و از او برای حل آن‌ها کمک بگیرد. این اتفاق مبارک زمانی تحقق می‌یابد که مدرس بتواند محبت دانشجو را به خود جلب نموده و زمان کافی برای شنیدن حرف‌های دانشجویان اختصاص دهد و آن را جزء وظایف استادی خود بداند. راه جلب محبت هم محبت کردن است. پیغمبر(ص) به عنوان معلم انسان‌ها از همین طریق توانست امر خطیر هدایت و تعلیم را به نتیجه برساند: "به- برکت- رحمت الهی، در برابر آنان- مردم- نرم- و مهربان- شدی؛ و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند" (۴۷).

ب. حیطه رفتاری (اخلاقی، عبادی، فقهی)

تفکر معنوی مدرس باعث می‌شود تا وی انسان را ترکیبی از جسم و روح الهی دانسته، تزکیه معنوی و اخلاقی دانشجویان را نیز جزء وظایف اصلی خود بداند. او با این باور که تقوای الهی باعث می‌شود آموختن و آموزش برای انسان آسان‌تر و موثرتر گردد: "هر کسی که تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند" (۴۸)، هم خود در این زمینه می‌کوشد و هم فراگیران را به آن فرا می‌خواند. یکی از رسالت‌های اصلی پیامبر(ص) تهذیب و تزکیه معنوی انسان است (۴۹) بنا بر این مدرس معنویت گرا با عنایت به این رسالت مهم، در انتقال مفاهیم دینی و معنوی، با مطالعه آثار مرتبط، بهترین و موثرترین شیوه‌ها را به کار می‌بندد. وی ارتقاء علمی دانشجویان را جدای از تعالی معنوی آن‌ها ندانسته، در این راستا از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزد.

ب-۱. حیطه اخلاقی

نیت الهی (اخلاص) در آموزش. نخستین ادب از آداب تعلیم آن است که معلم و مدرس قصد قربت داشته، و غرض او از درس گفتن، جاه و ریاست و بزرگی و شهرت و مقصودش مجمع آرای و خودنمایی نباشد... بلکه منظور او به غیر از ارشاد و احیای دل‌های مرده و رسیدن به ثواب‌های پروردگار، دیگر چیزی نباشد (۴۶). اخلاص عبارت است از خالص ساختن قصد از غیر خدا و پرداختن

تکلیف گرایی. در تفکرو معنوی، کم فروشی حرام است. بنا بر این مدرس معنویت گرا در انتقال مفاهیم تخصصی خود، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزد و برای کسب در آمد حلال در قالب حقوق و مزایای ماهیانه، ورود و خروج در کلاس و بیمارستان‌های آموزشی را رعایت نموده، تاخیرها را با تلاش بیشتر جبران می‌کند. استاد معنویت گرا که قرار است وارث انبیاء و پل ارتباطی میان خدا و خلق باشد هیچ گاه به بهانه‌های دنیوی مانند حق الزحمه ناکافی، دیر شدن پرداخت‌ها، کم بودن تعرفه‌های پزشکی، مشکل شخصی با مدیر بیمارستان یا دانشگاه یا دانشکده، در ایفای نقش و رسالت خود کوتاهی نمی‌کند. وی تمامی صفات و رفتارهای خود را بر اساس شریعت، سامان می‌دهد و سبک زندگی او برگرفته از آموزه‌های دینی است که در قالب عبادات، نیایش‌ها، اصول اخلاقی در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی، قوانین و مقررات مختلف در عرصه‌های گوناگون، در قرآن و سنت بیان شده است.

کل نگرى نسبت به شخصیت دانشجویان مدرس

بر خوردار از معنویت قرآنی، خود را مسئول ارتقاء و رشد همه جانبه شخصیت دانشجویان دانسته شعار او این نیست که: مرا با اخلاق و باورهای دینی و رفتارهای دانشجو چه کار، این‌ها به عهده نهادهای فرهنگی است؟! او می‌داند که معیار انسان کامل، تعالی و رشد او در سه حوزه علم، ایمان و عمل صالح است (۸) و نباید ابعاد شناختی، مهارتی و اخلاقی دانشجویان را مستقل از هم تلقی کرد امام کاظم(ع) فرمود: "علم انسان‌ها را در چهار چیز یافتیم: اول این که به خدا معرفت داشته باشی؛ دوم بدانی که خدا چگونه با تو رفتار می‌کند؛ سوم آن که بدانی خدا از تو چه انتظاری دارد و چهارم آن که بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می‌کند" (۴۵).

احساس مسئولیت همراه با شفقت و مهربانی

مدرس معنویت گرا، دانشجویان را نه به عنوان منابع در آمد خویش، بلکه به چشم فرزندان خود می‌بیند. همان طور که برای افت تحصیلی فرزندان خود احساس مسئولیت می‌کند و از رشد آنان مسرور می‌شود همین رفتار را با دانشجویان خود دارد. برای رفع موانع پیشرفت یا عوامل افت تحصیلی دانشجویان وقت می‌گذارد، فکر می‌کند و راه حل می‌دهد. مولف معراج السعاده در باب

لنדר فرصت‌های مناسب و به‌جا از آن‌ها استفاده نموده، فضای آموزشی را معنوی نماید.

تواضع در برابر خلق. به تعبیر علی (ع) رأس علم، تواضع و فروتنی است (۵۶، ۵۵). "هر که در مقابل متعلم و دانشجو فروتنی نشان دهد و در مقابل عالمان و دانشمندان خود را پایین آورد به سبب علمش، آقا بی و سیادت می‌نماید" (۵۷). زیرا "میوه و نتیجه تواضع، محبت است" (۵۸). علم همراه با تزکیه نفس، راهنمای انسان در قلمرو نظر و عمل و معیار انسانیت به شمار می‌آید (۸) اما علمی که همراه با تزکیه نباشد حتی علم توحید هم حجاب اکبر است، لذا برخی از نویسندگان از "قبله‌نمای بهره‌وری از علم" نیز سخن گفته‌اند (۵۹). استاد معنوی همواره تواضع در برابر دانشجویان را در سرلوحه افکار و اعمال خود قرار می‌دهد.

سلام کردن. از نشانه‌های اولیه تواضع، ابتدا کردن

به سلام در هنگام مواجهه با دانشجویان در هنگام ورود به فضای آموزشی است. این رفتار، رابطه را دوستانه و صمیمانه ساخته، تاثیر الگویی استاد را دوچندان می‌سازد. پیامبر(ص) فرمود: "سرآمد تواضع آن است که به هر کس برخورد کردی سلام کنی و هر کس سلام کرد پاسخش را بدهی و دوست نداشته باشی که مدحت را گویند" (۶۱-۶۰).

به عنوان مثال، رفتار اخلاقی با بیمار در آموزش‌های بالینی، برای استاد معنویت‌گرا تعریف شده است، ریز برنامه خود در بالین بیمار را از اول تا آخر طراحی کرده است: سلام، احوالپرسی، خوشرویی، ارتباط کلامی - حرکتی، امیدوار کردن بیمار، توجه دادن به شفاعت بودن خداوند، وسیله بودن خود و داروها، رعایت محرم و نامحرم، خداحافظی و آرزوی بهبودی کردن. نتیجه رعایت این اصول، انتقال تعهد و تخصص همزمان به فراگیران است

امانتداری. بزرگترین امانت، جوانانی هستند که در کسوت دانشجو در اختیار استاد قرار گرفته‌اند و از جمله واجبات دینی حفظ امانت است (۶۲). امانت‌هایی که رسالت سنگین ارتقاء علمی و معنوی آن‌ها به مدرس واگذار شده است. مدرس معنویت‌گرا دانش، مهارت و اخلاق درست را با مهربانی در اختیار دانشجو قرار می‌دهد تا علم و ایمان، مایه حیات معنوی دانشجویان گردد، زیرا احیاء یک فرد برابر با احیاء همه انسان‌هاست و پاداش این

نیت از ماسوی الله (۵۰). به همین دلیل است که در قرآن کریم و روایات تاکید زیادی بر این شده است. قرآن کریم می‌فرماید: "پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان آگاه باشید که دین خالص از آن خداست." (۵۱). مدرسی که همه فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی - درمانی را "عبادت" تلقی می‌کند به خوبی می‌داند که هر فعالیتی برای رضای خدا و در مسیر خوشنودی او و ترقی جامعه اسلامی باشد، به ویژه تعلیم و تعلم، از برترین عبادت‌هاست. دانش، به خوبی می‌تواند این نقش عبادی را ایفا نماید با چهارکارکرد: افزایش معرفت انسان نسبت به خدا، تعالی بخشیدن به جامعه اسلامی و اعتلای کلمه الله، هدایت بخشی به دیگران؛ حل مسائل جوامع بشری و مسلمانان (۵۲).

هر دانشی با این چهار رویکرد، علم مفید است و با این معیار، همه علوم می‌توانند وسیله تقرب معنوی به خداوند باشند هم علوم خاص دینی و هم علوم طبیعی؛ در غیر این صورت، چنین علمی مترادف با جهل خواهد بود (۵۳). در روایات علوم مفید، مایه حیات و زندگی؛ گنج پایان‌ناپذیر، مایه رهایی و نجات (۵۴) و چراغ راه معرفی شده است. مدرس معنویت‌گرا، این نگاه معنوی را به شیوه‌ای درست به دانشجویان منتقل می‌کند تا به حرفه پزشکی، نه به عنوان دکانی برای کسب درآمد بیشتر، که عبادت تلقی می‌شود.

استاد معنویت‌گرا به تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم رفتار و گفتار خود در فضای آموزشی آگاهی کامل داشته، نقش خود را در این حوزه با رعایت شاخص‌های و "کدهای اخلاقی" زیر دنبال می‌کند:

آغاز کردن فعالیت آموزشی با نام خدا. استاد

معنویت‌گرا آموزش را با نام خدا به خصوص با عبارت قرآنی "بسم الله الرحمن الرحيم" آغاز نموده، و به برکت آن محیط آموزشی را معطر به عطر معنویت می‌سازد. پیامبر(ص) فرمود: "سرآغاز علم، شناخت خداوند و سرانجام آن، واگذاری امور به اوست". بکار بردن به موقع از عباراتی همچون ان شا الله یا اگر خدا بخواهد، یا به امید خدا، و ... تعبیری که بار معنوی دارد می‌تواند در ایجاد فضای معنوی در کلاس کمک کند. همان‌طور که آشنایی مدرس با قرآن و حدیث، زمینه را فراهم می‌سازد

کز اقبال خلق است او را نصیب (۶۸).

پرهیز از سخنان و عبارات نامناسب با شان

استادی- دانشجویی. بکار بردن کلمات نامناسب، به خصوص در زمان غلبه هیجان عصبانیت و خشم، هم تاثیرگذاری مدرس را کاهش داده، و هم در فرآیند یاد دهی، به خصوص انتقال مفاهیم معنوی و اخلاقی به شدت تاثیر منفی می‌گذارد. "ای کسانی که ایمان آورده‌ای تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید" (۶۹). در حدیث است که: "اسلحه انسان‌های پست و فرومایه، کلام زشت است" (۷۰).

مدرس معنویت‌گرا، در سخن گفتن، عفت و پاکی را رعایت و از تعابیر محترمانه استفاده می‌کند (۷۱)، از خودستایی و تحقیر دانشجویان و سایر اساتید گریزان است. علی (ع) فرمود: بدترین کارها، رضایت از خویشتن- خود پسندی- است (۷۲). رعایت این اصول به ظاهر ساده اخلاقی، اعتماد دانشجو را جلب کرده، تاثیرگذاری مدرس را هم در انتقال مفاهیم علمی و هم اخلاقی مضاعف می‌گرداند.

ب-۲. حیطه عبادی

تواضع در برابر خالق. مدرس معنویت‌گرا می‌داند که: «تنها، دانشمندان از بندگان خدا، نسبت به او خشیت دارند» (۷۳). «خشیت» به عنوان نتیجه علم حقیقی، از صفات برجسته مومنان معرفی شده است (۷۴). علی (ع) فرمود: کسی که نسبت به خدای متعال خشیت دارد علمش کامل است (۷۵). خشیت یعنی ترس آمیخته با رجاء، حالتی است که عبد را در مقام عبودیت نگه می‌دارد، و از عذاب معبودش، نه ایمن می‌شود و نه ناامید (۷۶). خشیت، نتیجه آگاهی فرد از عظمت و بزرگی طرف مقابل است که باعث می‌شود فرد، آگاهانه، ادب حضور نگاه دارد و درعین حال از انس با او لذت ببرد. مدرس معنویت‌گرا با بیان شگفتی‌های خلقت انسان، مرتبط با رشته تخصصی خود، همواره دانشجویان را به عظمت آفریننده رهنمون می‌سازد و آن‌ها را به تواضع و فروتنی در برابر تعالیم الهی فرا می‌خواند. به تعبیر علی (ع)، علم مایه حیات است (۷۷) و نتیجه آن اطاعت از خدا (۷۸-۷۹).

جهاد حیات بخش را فقط خدا می‌داند؛ در غیر این صورت کار او قتل نفس خواهد بود نه احیای آن (۶۳). او در ارائه اطلاعات علمی خود، بخل بهی‌ورزد. نراقی می‌نویسد: ادب سوم آن که چون او را سزاوار علم می‌داند مضایقه نکند و ضنت (دریغ) و بخل نوزد (۶۴). کتمان دانش در قرآن نیز به شدت مورد مذمت قرار گرفته است (۶۵).

جهاد علمی. استاد معنویت‌گرا در حوزه تخصص

خود، همواره "به روز" است و جهاد علمی مستمر، در دستور کار او قرار دارد. جدیدترین دست‌آوردهای علمی و تکنیک‌های تشخیص و درمان را در اختیار دانشجویان، رزیدنت‌ها و دستیاران قرار می‌دهد. پیامبر (ص) نیز که خود متصل به خزانه علم الهی است از خداوند می‌خواهد بر دانش و علمش بیافزاید (۶۶). و امام حسن (ع) فرمود: به دیگران علم خود را بیاموز، و علوم دیگران را نیز فرا بگیر تا دانش خود را محکم نموده، به آن چه زهی دانستی آگاه شوی (۶۷). از آن جا که هر روز با دست‌آورهای جدید در عرصه‌های مختلف دانش پزشکی مواجهیم استاد معنویت‌گرا وظیفه خود می‌داند تا به جدیدترین دانش‌ها و مهارت‌ها دست یافته، دانشجویان را به سمت تولید علم و پژوهش فرا بخواند. علی (ع) می‌فرماید: بر کسی طبابت می‌کند لازم است تقوا پیشه سازد، نصیحت و موعظه بپذیرد و جهاد (مستمر علمی) داشته باشد (۶۸).

ز فرموده پیشوایان دین
توان یافت دستور کاری چنین
کسی کو پزشکی کند انتخاب
بباید کند سعی در پنج باب
نخست آن که در "طب بکوشد" همی
نیاساید از کسب دانش دمی
دوم آن که با "بینش راستین"
کند با "عمل" "علم" خود را قرین
سوم آن که در طی این دو مقام
"جهدی" کند مستمر و مدام
چهارم به خود باشدش اعتقاد
بهر آن چه گوید کند اعتماد
به پایان "ز تقوی" دمی نگذرد
"خدا را" هماره به یاد آورد
کسی را چنین گفت بتوان طبیب

مؤلف معراج السعاده از شرایط حاکم بر فضای آموزشی عصر خویش می‌نالد که: کسی معرفت با اهل این زمان داشته باشد، می‌داند که آداب تعلیم و تعلم، مثل سایر اوصاف کمالیه، مهجور و معلم و متعلم از ملاحظه شرایط دورند. زمان و اهل آن فاسد و بازار هدایت و ارشاد کاسد (بی رونق) گشته، نه نیت معلم خالص است و نه قصد متعلم... و از این جهت است که از هزار نفر یکی رتبه کمال حاصل رهی شود (۸۶).

امید آن که با گسترش شاخص‌های معنویت‌گرایی و اخلاق در آموزش پزشکی، که دانش‌آموختگان آن با جسم و روح اشرف مخلوقات سرو کار دارند، فضاهای آموزشی به چنین آفتی دچار نشود.

بحث و بررسی: معنویت در اندیشه قرآنی، جستجوی مقام قرب الهی، از طریق ایمان، عمل صالح و نفی بندگی غیر خداست. (۱۷). تفاوت میان دو انسان معنویت‌گرا و مادی‌گرا را در نوع نگاه آنان به جهان، خدا، انسان و حیات، باید جست و جو کرد. مدرس معنویت‌گرا با نگاه معنوی به جهان هستی، خود را از حصار تنگ ماده و طبیعت رها ساخته، چشم به جهان ماوراء طبیعت گشوده است. وی بعد روحی انسان را اصیل دانسته، همراه با کسب دانش و مهارت در عرصه پزشکی، تربیت روح را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. در نگاه او حیات انسان هم دو سطح دارد: "حیات طبیعی" و "حیات حقیقی یا معنوی" که در "تاله" و الهی شدن انسان شکل می‌گیرد. حیات متالمانه انسان، به نگرش توحیدی او به جهان و انسان وابسته است؛ اگر این نگرش از او سلب شود، در فرهنگ جامع دین، در شمار مردگان درمی‌آید (۲۸).

مدرس معنویت‌گرا نگاه ویژه‌ای به جهان، انسان، آموزش، دانشجو، کلاس، حرفه‌استادی، اهداف آموزشی، اخلاق، قوانین و مقررات آموزشی و غیره دارد. وی برای ایفای نقش خود، نیازمند مجموعه‌ای از شاخص‌ها در دو حیطة: شناختی (اهداف، عقائد، ارزش‌ها) و رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی) است:

الف. حیطة شناختی (عقائد، ارزش‌ها). نگاه معنوی داشتن به علم، یکی از اصلی‌ترین شاخص‌هاست. همان‌پرده برداشتن از اسرار "کتاب شریعت" علم اسلامی است و هم‌گشودن اسرار "کتاب طبیعت" (۳۶). مدرس معنویت‌گرا با این نگاه قرآنی به علم، می‌تواند

استاد معنویت‌گرا خاکساری خود در برابر خالق را در هنگام نماز نشان می‌دهد. به تعبیر علی (ع)، ثمره علم حقیقی اطاعت و بندگی خداست (۸۰). علی بن الحسین (ع) فرمود: کسی که به آن چه خداوند بر او واجب نموده، عمل نماید بهترین انسان هاست (۸۱). مدرس معنویت‌گرا با شنیدن حی علی الصلوه، خود را آماده دیدار با معبود می‌کند و این فریضه الهی را هم در عمل و هم در گفتار به دانشجویان خود گوشزد می‌کند. علم، آن باشد که بشناسی به وی

لطف و فیض قادر و قیوم و حی (۸۲).

ب-۳. حیطة فقهی و شرعی

مدرس معنویت‌گرا می‌کوشد اهمیت رعایت حقوق و احکام شرعی پزشکی را در تعامل با بیماران، به دانشجویان گوشزد نموده، آنان را به رعایت حلال و حرام و احترام به اعتقادات دینی بیماران دعوت نماید. و با التزام عملی به احکام شرع، نقش الگویی خود را به خوبی ایفا می‌کند. مانند رعایت احکام شرعی در اتاق تشریح، توجه دادن دانشجویان به این احکام، رعایت محرم و نامحرم و همدردی با مریض در آموزش‌های بالینی، رعایت احکام شرعی در اتاق احیاء و در یک جمله رعایت قوانین و مقررات مربوط به انطباق امور پزشکی با مسائل شرعی در تمام فضاهای آموزش علوم پایه و بالینی. طبیعی که باشد و را زرد روی

از او داروی سرخ رویی مجوی (۸۳).

علی (ع) فرمود: من شما را به هیچ طاعتی بر نیانگیختم مگر آن که در آن از شما سبقت گرفتم و از هیچ معصیتی شما را نهی نکردم مگر آن که قبل از شما از آن دوری جسته‌ام (۸۴). امام صادق (ع) فرمود: هر گاه عالمی به علم خویش عمل نکند مواظب او از دل‌ها زدوده می‌شود همان‌طور که باران از روی سنگ صاف می‌لغزد (۸۵).

قانون‌گرایی. مدرس معنویت‌گرا در انجام نقش آموزشی، پژوهشی و درمانی خویش همه قوانین را حتی الامکان رعایت می‌کند. احترام به قانون با تفکر معنوی او عجین شده، خلاف قانون را بر اساس فتوای فقهاء جایز رهی‌داند. بنا بر این قانون‌گرایی و رعایت مقررات آموزشی در فضای آموزشی و درمانی را در رفتار روزمره او می‌توان به وضوح مشاهده کرد.



به سلام در هنگام مواجهه با دانشجویان در هنگام ورود به فضای آموزشی است. پیامبر(ص) فرمود: "سرآمد تواضع آن است که به هر کس برخورد کردی سلام کنی و هر کس سلام کرد پاسخش را بدهی" (۴۶).

سلام، احوالپرسی، خوشرویی، ارتباط کلا می- حرکتی، امیدوار کردن بیمار، توجه دادن به شفا بخش بودن خداوند- وسیله دانستن خود و داروها، رعایت محرم و نامحرم، خداحافظی و آرزوی بهبودی کردن برای بیمار، سیره عملی مدرس معنویت گراست و نتیجه آن انتقال تعهد و تخصص به فراگیران است.

وی وظیفه خود می داند تا در یک جهاد علمی مستمر، جدید ترین دانش ها و مهارت ها دست یافته، دانشجویان را به سمت تولید علم و پژوهش فرا خواند. مدرس معنویت گرا، در سخن گفتن عفت و پاکی را رعایت می کند از تعابیر محترمانه استفاده می کند؛ از خودستایی و تحقیر دانشجویان و سایر اساتید و همکاران به شدت پرهیز می کند.

در حیطه رفتاری - عبادی، استاد معنویت گرا خاکساری خود در برابر خالق را در هنگام نماز نشان می دهد و این فریضه الهی را یا در عمل و یا در گفتار به دانشجویان خود گوشزد می کند.

در حیطه رفتاری- فقهی، می کوشد اهمیت رعایت حقوق و احکام شرعی پزشکی را در تعامل با بیماران، به دانشجویان گوشزد نمود، آنان را به احترام نسبت به اعتقادات دینی بیماران دعوت نماید و با التزام عملی به احکام شرع، نقش الگویی خود را به خوبی ایفا کند. مانند رعایت احکام شرعی در افاق تشریح، توجه دادن دانشجویان به این احکام، رعایت محرم و نامحرم و همدردی با مریض در آموزش های بالینی، رعایت احکام شرعی در افاق احیاء و رعایت قوانین و مقررات مربوط به انطباق امور پزشکی با مسائل شرعی در تمام فضاهای آموزشی.

احترام به قانون در عرصه آموزش، پژوهش و درمان با تفکر معنوی مدرس معنویت گرا عجین شده، خلاف قانون را بر اساس فتوای فقهاء جایز نمی داند.

نتیجه گیری

تقدس ذاتی علم، به ویژه دانش پزشکی و علوم مرتبط را به دانشجویان گوشزد نماید تا طبابت را که با شریف ترین موجودات سروکار دارد با دنیاگرایی مذموم نیالیند.

مدرس معنویت گرا، تکلیف گراست و هیچ گاه به بهانه های دنیوی مانند حق الزحمه ناکافی، دیر شدن پرداخت ها، کم بودن تعرفه های پزشکی، مشکل شخصی با مدیر بیمارستان یا دانشگاه یا دانشکده، در ایفای نقش و رسالت خود کوتاهی نمی کند. وی دانشجویان را به چشم فرزندان خود می بیند و برای رفع موانع پیشرفت یا عوامل افت تحصیلی دانشجویان وقت می گذارد، فکر می کند، راه حل می دهد.

ب. در حیطه رفتاری (اخلاقی، عبادی، فقهی).

حیطه رفتاری- اخلاقی، نیت الهی (اخلاص) در آموزش، نخستین ادب از آداب تعلیم است. هدف مدرس از آموزش جاه و ریاست و بزرگی و شهرت و خودنمایی نیست. او همه فعالیت های حرفه ای، آموزشی- درمانی را "عبادت" تلقی می کند و به خوبی می داند که هر فعالیتی برای رضای خدا و در مسیر خوشنودی او و ترقی جامعه اسلامی باشد، به ویژه ه تعلیم و تعلم، از برترین عبادت هاست. مدرس معنویت گرا، این نگاه معنوی را به شیوه ای درست به دانشجویان منتقل می کند تا به حرفه پزشکی، نه به عنوان دکانی برای کسب درآمد بیشتر، که از سنخ عبادت و خدمت به خلق نگاه کنند.

مدرس معنویت گرا با وضو وارد عرصه آموزش شود. چه این که طهارت باطنی و شادابی حاصل از وضو، تاثیرات قابل توجهی بر روح و روان مدرس و دانشجویان خواهد گذاشت و در تامین اخلاص در نیت موثر خواهد افتاد. پیغمبر(ص) فرمود: اگر توانستی در تمامی حالات شب و روز با طهارت باشی، چنین کن؛ زیرا اگر در این حال از دنیا بروی شهید خواهی بود(۴).

مدرس معنویت گرا به تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم رفتار و گفتار خود در فضای آموزشی آگاهی کامل داشته، نقش خود را در این حوزه با رعایت شاخص های و کدهای اخلاقی زیر دنبال می کند:

او فعالیت آموزشی خود را با "نام خدا" به خصوص با عبارت قرآنی "بسم الله الرحمن الرحيم" آغاز می کند. تواضع در برابر دانشجویان را در سرلوحه افکار و اعمال خود قرار می دهد و از نشانه های اولیه تواضع، ابتدا کردن

دانشجو، کلاس، حرفه استادی، اهداف آموزشی، اخلاق حرفه‌ای، مقررات آموزشی و غیره دارد. و آراسته به مجموعه‌ای از شاخص‌هاست که عبارتند از:

الف. حیطة شناختی (عقائد، ارزش‌ها). برخوردارى

از قلب سلیم، نگاه معنوی به علم، مقدس دانستن هنر استادی، تکلیف‌گرایی، احساس مسئولیت همراه با شفقت و مهربانی؛ ب. حیطة رفتاری (اخلاقی، عبادی، فقهی): نیت الهی (اخلاص) در آموزش، تواضع در برابر خدا و خلق، آغاز کردن فعالیت آموزشی با نام خدا، پاکی در گفتار، امانتداری، جهاد علمی مستمر، به روز بودن، تنظیم رفتارهای آموزشی خود با شریعت و اخلاق حرفه‌ای، و قانون‌گرایی.

مدرس معنویت گرا، دانش پزشکی و آموزش آن را امری مقدس تلقی نموده، هم ارتقاء علمی و هم معنوی دانشجویان را رسالت الهی می‌بیند، او به جهت پایبندی به شریعت و ملاحظه نظارت الهی بر اندیشه و رفتار خویش، به نقش‌الگویی خود به خوبی واقف است و تلاش می‌کند نقش خود را در عرصه آموزش بهتر و موثرتر به انجام رساند و الگوی مناسبی در عرصه آموزش، پژوهش و اخلاق حرفه‌ای برای فراگیران باشد.

برخورداری از نگرش مثبت و توحیدی به جهان، انسان، حیات، مهم‌ترین شاخص‌های معنویت‌گرایی در "حوزه آگاهی و بینش" است و سبک زندگی و رفتار مطابق با توحید و عمل بر مبنای شریعت، شاخص‌های معنویت‌گرایی در "حوزه رفتار". سلامت معنوی انسان نیز تنها در پیروی از نسخه شفا بخش الهی، قرآن کریم (۸۷) و اقتدا به طبیب جان‌آدمیان حضرت ختمی مرتبت (ص) تحقق می‌یابد (۸۸).

نشانه معنویت‌گرایی، آراسته شدن ک مدرس به همه خوبیها، پیراسته شدن از کژیها و ناراستی‌ها، اتصاف به صفات جلال و جمال الهی، دستیابی به حیات حسنه در دنیا و زندگی حسنه در آخرت (۸۹). معنویتی که قرآن ارائه می‌کند معنا دهنده به همه ابعاد زندگی، تاثیرگذار، امیدبخش، شورانگیز، مسئولیت‌آفرین، و جاری در همه ابعاد وجودی انسان می‌باشد. این معنویت انسان و جامعه را به توسعه همه جانبه فرا خوانده، دین و دانش، عقل و عشق، جسم و روح، دنیا و آخرت را قرین هم ساخته، خط بطلانی بر تمامی معنویت‌های مونتاز شده، بریده از وحی و سکولار عصر حاضر می‌کشد (۹۰).

مدرس معنویت گرا، با تکیه بر نگاه معنوی - قرآنی به جهان، انسان و زندگی، نگاه ویژه‌ای به آموزش،

References

1. Faramarz Qaramaleki A, An Abstracts of 3rd conference on Medical Ethics, Moral in Education. 2013; 78-79 (Persian).
2. Miller J P, The Education and soul, to a spiritual termic curriculum, Trans: Qourchian, first publication, Nashre Farashenakhty Andisheh, Tehran. 2002; 48(Persian).
3. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Seiied Javad Mustafavi, Nour publication Institution, Tehran, no date, v 3:26; v 1:48(Persian).
4. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Daftare Nashre Maaref, Qom. 2005; 43 (Persian).
5. Wolf D M, Psychology and religion, Trans: Mohammad Dehghani, Roshd Press, Tehran, 2008: 38(Persian).
- 6- Fuller, Robert C. Spiritual, but Not Religious. Beliefnet.com. Retrieved on 2011; 12-03
- 7- Gorsuch R. L & Miller, W. R. Assessing spirituality. In W. R. Miller (Ed), Integrating spirituality into Treatment, Washington, DC: American Psychological Association. 1999; 47-64.
8. Zakavi A A, The criteria of humanity in the Quran based on Tafsir al-Mizan, Afaqe Din Journal, Tehran, Allameh Tabatabaie University. N5, 2012; 59-83 (Persian).
9. Ibn e Monzour, Lesan al-Arab, Adab Va Howzeh Press. 1970(Arabic).
10. Farhangestane Jomhourye Islami, a research in spiritual health, Majmooh Maqalat of an Introduction on spiritual health, 2000; 43 (Persian).
- 11- Hick J, the religious Meaning of life, In Joseph Runzo and Nancy M, Martin (Eds), the Meaning of life in the world Religions, 2000; 269- 286.
12. Soleymani A, asqari, KHoda va Maanaye Zendegey, Naghd Va Nazar journal, 2000; 30-31: 95-142(Persian).



13. Holy Qur'an, Trans: Naser Makarem Shirazi, Qom, Sarmayeh press. Baqara: 156.
14. Ibid. Zaryat: 56.
15. Ibid. Towbeh: 31.
16. Ibid. Anaam: 162
17. Marzband R, Zakavi A, The factors of spiritual health in Islamic revealed teachings, Medical Ethics journal, Tehran, Shaheed Beheshty University. 6, N 20, 2013; 70-99.
18. Holy Qur'an, Sajdeh:4.
19. Ibid. Baqara: 2.
20. Ibid. Anaam: 75.
21. Ibid. Roum: 7.
22. Ibid. Aaraf: 185; Forqan: 44.
23. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Asraa Center Press, Qom, 2006; 150-165(Persian).
24. Holy Qur'an, Aaraf: 179; Forqan: 44.
25. Ibid. Hejr: 29; Saad: 72
26. Ibid. Yaseen: 70
27. Ibid. Baqara: 30
28. Javady A, Zendegye Haqiqye Ensan Dar Qurane Karyem, Tafseere Mouzooie Qur'an, , Qom, Asraa Center press. 2009; V 15:15-17; 54-58 (Persian).
29. Holy Qur'an, Farer: 22.
30. Ali Bin Abeetaleb, Nahjolbalaqah (p.b.u.h), Trans: Ali Shirvani, Qom, Nassim Hayat Press, Khotbeh. 2005; 87(Persian).
31. Holy Qur'an, Maedeh: 15.
32. BehPajooh A, Aducation Workshop on Tarrahie Tajrobehhaye yadgeeri va yaddehie Asarbakhsh, Tehran University. 2011 (Persian).
33. Mesbah M T, Akhlaq dar Quran, Tehran, Amir Kabeer Press. 1995; V 3, 201-218 (Persian).
34. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Seiid Javad Mustafavi, Tehran, Nour publication Institution. No date; v 3:26 (Persian).
35. Tabatabaie M H, Tafseer Al-mizan, Trans: seiad Mohammad Baqer Mousavi, Qom, Daftare Intesharate Islami press. 2012; V 17:941 (Persian).
36. Javady A, Sourat va Seerate Insan dar Qur'an, Tafseere mouzouie Qur'an, Qom, Asraa Center Press. 2005; V14:36-37 (Persian).
37. Khameneie S A, Sayehsare welayat, Qom, Maaref Press. 2005; V2:150 (Persian).
38. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Qom, Asraa Center Press. 2006; 223 (Persian).
39. Khomeini R, Chehel Hadith, Tehran, Imam Khomeini institution. 2000; 369 (Persian).
40. Holy Qur'an, Zaryat: 20-21.
41. Mohammadi Reyshahri M, Mizan al-hikmah, Al- aalam al-Islami press, Tehran. 2002; V6: 469 (Arabic).
42. Ibid. 473.
43. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 49 (Persian)
44. Ibne shoaabeh Harrani A M, Tohaf al-ughoul an Al- rasoul, Trans: Ahmad Jannati, Tehran, Elmieh Islamiieh press. no date: 229(Persian)
45. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 1: 203 (Arabic).
46. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005: 105-106(Persian).
47. Holy Qur'an, Alleomra: 159.
48. Ibid. Talaq: 2.
49. Ibid. Jomeh: 2; Baqara: 129.
50. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 1: 610(Arabic).
51. Holy Qur'an, Zomar:2-3.
52. Golshani M, Quran va Oloume Tabeei, Edit: Mohammad khajehpeeri, Tehran, Islamic Azad University press. 2000; 50-70 (Persian).
53. Ibid. Roum: 70.
54. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006; Hadith Number 230, 1610, 231(Persian).
55. Hakimi m, Hakimi A, Al-hayat, Trans: Ahmad Aram, Qom, Dalile Ma Presson. 2000; V 1: 516(Persian).
56. Khomeini R, Chehel Hadith, Tehran, Imam Khomeini institution press. 2000; 39 (Persian)
57. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 75: 6 (Arabic).

58. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 139(Persian).
59. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Qom, Asraa Center Press. 2006; 244-248 (Persian).
60. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref, press. 2005; 140. (Persian).
61. Naraqı A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 296. (Persian).
62. Holy Qur'an, Momenoun: 8.
63. Ibid. Maedeh: 32.
64. Naraqı A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 104. (Persian).
65. Holy Qur'an, Baqara: 159, 174.
66. Ibid. Taha: 114.
67. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 75: 111 (Arabic).
68. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 54-55 (Persian).
69. Holy Qur'an, Ahzab: 70.
70. Majlesi M B, Behar al-anvar, , Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 75: 175 (Arabic).
71. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 133-135 (Persian).
72. Mohammadi Reyshahri M, Mizan al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6: 47 (Arabic).
73. Holy Qur'an, Fater: 23.
74. Ibid. Raad: 21; Anbia: 49.
75. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006; Hadith Number: 8544(Persian).
76. Tabatabaie M H, Tafseer Al-mizan, Trans: seiad Mohammad Baqer Mousavi, Qom, Intesharate Islami press. 2012; V 17: 101 (Persian).
77. Mohammadi Reyshahri M, Mizak al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6: 452(Arabic).
78. Holy Qur'an. Saba: 21; Anbia: 51, 54.
79. Mohammadi Reyshahri M, Mizak al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6, 499 (Arabic).
80. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad ali ansari, , Qom, Imam Asr Press. 2006: Hadith Number: 8588(Persian).
81. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Seiied Javad Mustafavi, , Tehran, Nour press Institution. no date; v 3:26; v 3:128 (Persian).
82. Sheikh Baha'i, Nan va paneer, (Persian), Available in: <http://www.gangoor.net>.
83. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 94 (Persian).
84. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006; Hadith Number: 305(Persian).
85. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 62 (Persian)
86. Naraqı A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 105.
87. Holy Qur'an. Asra: 82.
88. Ali Bin Abeetaleb, Nahjolbalaqah (p.b.u.h), Trans: Ali Shirvani, Qom, Nassim Hayat Press. 2005; Khotbeh: 108(Persian).
89. Holy Qur'an. Baqara: 201; Aaraf: 156.
90. Roodgar M J, Maanavyat dar Quran, Islamic Science Journal, Summary. 2010;4(14) (Persian), available in: <http://www.sid.ir/fa/ViewPaper.asp?ID=113527&varStr=2>.